



جایگاه معلم

در

فرهنگ اهلبیت علیهم السلام

عبدالکریم پاک نیا

ویژگیهای انبیاست. خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسانها ثبت می کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین انداز می گرداند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسانها مدیون معلم است. اساساً تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از

۱. جمعه ۲.

در گمراهی آشکاری بودند.»

بزرگ‌ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله به این ویژگی خود افتخار می‌کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می‌کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می‌آموختند، افضل دانست و فرمود: «إِنَّمَا يُؤْتَى مَعْلَمًا^۱ همانا که من به عنوان معلم مبعوث شده‌ام.»

آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُعَلِّمِينَ وَأَطْلِ أَعْمَارَهُمْ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ»^۲ خداوندا! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!»

آری، معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می‌باشد. در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام نمی‌توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ

صَبَّرَنِي عَبْدًا»^۳ کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است. «البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به آموزش بپردازد.

با توجه به سخنان پیش گفته، در این فرصت، آموزه‌هایی را از روایات اهل بیت علیهم السلام در تکریم مقام معلم به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم.

امام حسین علیه السلام و تقدیر از معلم

بدون تردید هر انسانی فطرتاً دوست دارد تا از خدمتگزار خود تقدیر کند و چه خدمتی بالاتر از آموزش علم و دانش به انسان می‌تواند باشد. در آموزه‌های دینی ما برای تقدیر از معلم سفارشهای زیادی شده است و در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام این امر مرسوم و مسلم بوده است. این

۱. سنن دارمی، عبدالله دارمی، نشر اعتدال، دمشق، ج ۱، ص ۹۹.

۲. کشف الخفاء، اسماعیل عجلونی، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۴۸.

۳. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، دار النعمان، نجف اشرف، ج ۳، ص ۱۱۲.

می‌دارد، اگر دنیا به انسان پشت کند.

منزلت معلم

از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای مقام معلمی ارزش بسیاری قرار داده شده است؛ چرا که او روح و جان افراد را پرورش داده، به سوی رشد و ترقی و تعالی می‌برد.

حضرت سید الشهداء علیه‌السلام در یکی از رهنمودهای حیاتبخش خویش فرمود: «مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ظَلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةٍ حَقٍّ فَأَجَابَهُ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ كَعَمَلِ نَسَمَةٍ^۲ هر کس انسانی را از گمراهی به سوی شناخت حق و حقیقت راهنمایی کند و او نیز پاسخ مثبت دهد، به اندازه آزادی یک بنده پاداش خواهد داشت.»

این ابیات را یادآور شد که: «مَنْ دَعَا عَبْدًا إِلَى مَعْرِفَةٍ حَقٍّ فَأَجَابَهُ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ كَعَمَلِ نَسَمَةٍ» امام حسین علیه‌السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: — مرد ستمگری می‌خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند

شهر آشوب در حالات امام حسین علیه‌السلام می‌نویسد:

در مدینه معلمی به نام عبدالرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند گرامی حضرت آن را در نزد وی قرائت کرد، امام بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد. وقتی امام حسین علیه‌السلام به خاطر این پاداش زیاد، مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «وَأَنْ يَفْعَ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَعْنِي تَغْلِيمِهِ؛ این پاداش کجا و عطای او، یعنی آموزش سوره حمد کجا!» آن‌گاه امام حسین علیه‌السلام

این ابیات را یادآور شد که: «مَنْ دَعَا عَبْدًا إِلَى مَعْرِفَةٍ حَقٍّ فَأَجَابَهُ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ كَعَمَلِ نَسَمَةٍ» امام حسین علیه‌السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: — مرد ستمگری می‌خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند

فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ
وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ^۱
یعنی زمانی که دنیا چیزی بر تو ببخشد، تو نیز دست عطایت را بر همه مردم بگشا، قبل از آنکه از دست تو برود! نه بخشش آن را از بین می‌برد، اگر به تو رو آورد و نه بخل آن را نگه

۱. مناقب ابن شهر آشوب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی، نشر حیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ص ۲۲۲.

۲. مسند زید بن علی، دار مکتبه الحیاة، بیروت، ص ۳۹۰.

و تو او را یاری می‌کنی و از دست ظالم نجات می‌دهی و یا اینکه فرد دگراندیشی که اعتقادات فاسد دارد و می‌خواهد یکی از شیعیان ما را که توانایی دفاع فکری و عقیدتی از باورهای خود ندارد، گمراه کند و تو دری از علم و معرفت به روی او می‌گشایی و آن مستضعف فکری را یاری می‌کنی و در مقابل هجوم فرهنگی و عقیدتی تجهیزش می‌نمایی و او با دلایل محکم و منطقی بر دشمن عقیدتی خود پیروز می‌شود؟»

آن‌گاه در ادامه فرمود: «این ناتوان فکری را یاری کردن افضل است؛ چرا که خداوند متعال فرموده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۱ «هر کس فردی را زنده کند، مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است.» یعنی اینکه از کفر به سوی ایمان راهنمایی و ارشادش نماید.»^۲

عزیزترین قشر جامعه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام احترام معلم را بر هر قشری از جامعه لازم می‌دانست و به مسلمانان سفارش می‌کرد که به پاس خدمات این گروه

ارزشمند در هر مقامی که باشند، آنان را همانند پدر خود گرامی بدارند و در این زمینه فرمود: «قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَمُسْأَلَمِكَ وَلَوْ كُنْتَ أَمِيرًا»^۳ به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به پا خیز! گرچه پادشاه باشی.»

حضرت زین العابدین علیه السلام نیز در ضمن شمارش حقوق اقشار مختلف جامعه، معلمان را از طبقات برتر جامعه قلمداد کرده، به دوستان و شیفتگانش سفارش می‌کرد که حقوق معلمان و اساتید خود را به نحو شایسته‌ای مراعات کنند و در رساله حقوق خود فرمود: «حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَاسْأَلْهُمْ لَهُ وَالتَّوَقُّبُ لِمَجْلِسِهِ وَحَسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ»^۴ حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس محترم بداری و به نیکویی سخنانش را گوش کنی.»

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده

۱. مانده / ۳۲.

۲. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، مدرسة الامام المهدي عج، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۴۸.

۳. مستدرک الوسائل، محدث نوری، نشر آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

را به نور علم و معرفت خویش روشن می‌سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات، محترم بشمارند.

از منظر رسول اکرم ﷺ مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی‌شمارد. آن حضرت چنین فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَخَفُّ بِهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ يَنَافِقِهِ ذُو سَيِّئَةٍ فِي الْإِسْلَامِ وَمُعَلِّمُ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ»^۱ از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دو رویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی‌زند. این سه گروه عبارت‌اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیکی و پیشوای عادل.»

در خاطرات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم آمده است:

در دوران جوانی روزی در

است: «هنگامی که به حضرت هادی علیه السلام خیر رسید یکی از فقهای شیعه - که در مقام استادی بود - با برخی از ناصبیان مناظره کرده و با برهان محکم و متقن، باطل بودن ناصبی را اثبات نموده و او را رسوا کرده است، [خیلی خوشحال شد و] هنگامی که آن استاد فرزانه به حضور امام هادی علیه السلام رسید، امام او را در صدر مجلس به تخت بزرگی که در آنجا قبلاً نهاده بودند، راهنمایی کرد. این درحالی بود که گروهی از علویان و بنی هاشم حضور داشتند و خود امام بر آن تخت نشست. حضرت آن استاد فقیه را بالا برد و تعظیم کرد تا اینکه بر روی آن تخت نشانید.»^۲

تکریم معلم

یکی از بهترین و مؤثرین ترین اقشار اجتماعی، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان‌طور که شمع خود می‌سوزد و اطرافش را روشن می‌کند، معلمان دلسوز و وظیفه‌شناس که دانش‌آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه‌روزی به سوی روشنایی و هدایت می‌برند نیز جامعه

۱. الاحتجاج، احمد طبرسی، نشر مرتضی،

مشهد، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۵۴.

۲. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دار الکتب

العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص ۲۷.

جلسه‌ای با حضور عده‌ای از علما که در میان آنان آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شهید آقا شیخ فضل الله نوری نیز دیده می‌شد، نشسته بودیم. در آن هنگام، پیرمردی ژولیده و لاغر اندام که دستمال مانندی به سر بسته و عبایی وصله‌دار بر دوش گرفته بود، در نهایت سادگی به آن جلسه داخل شد. میرزا محمدتقی شیرازی فوراً بلند شد و با احترام تمام آن پیرمرد را به حضور جمع آورد و در بهترین جای مجلس نشاند. او با اشاره به آقا شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: ایشان کیست؟ میرزا گفت: ایشان آقا شیخ فضل الله نوری است و او را کاملاً معرفی کرد. پیرمرد روشن ضمیر گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را [به جرم دفاع از اسلام] در تهران بر دار می‌کشند. او تو نباشی!

سپس نام مرا از میرزا پرسید: میرزا گفت: او آقا شیخ عبد الکریم یزدی است و از فضلاست. مسئله‌ای از من پرسید و من چون پاسخ آن را خیلی واضح و پیش پا افتاده می‌دانستم، نگفتم و سکوت کردم. میرزای شیرازی دوم بر من خشم گرفت و

شدیداً ناراحت شد و خودش پاسخ مسئله را گفت و اضافه کرد که علما در این باب این طور می‌گویند. وقتی بیان میرزا تمام شد، آن مرد ساده‌پوش خود به صورت دیگر پاسخ را تقریر کرد و میرزا گفته‌های او را نوشت و به او نشان داد و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ او گفت: بلی. سپس به من رو کرد و گفت: چندی بعد پرچم اسلام در قم بر دوش شیخ عبد الکریم نامی به احتزاز در می‌آید، او تو نباشی!

آن‌گاه برخاست و خداحافظی کرد و رفت. میرزا محمدتقی شیرازی کفش پیش پای او نهاد و او را بدرقه کرد و چون بازگشت، بر من عصبانی شد که چرا به او بی‌اعتنایی کردم و توضیح داد که او معلم اخلاق حوزه‌های علمیه، آخوند فتحعلی سلطان‌آبادی است.^۱

معلم، در شعر شهریار

می‌توان در سایهٔ آموختن

گنج عشق جاودان اندوختن

اول از استاد یاد آموختیم

پس سویدای سواد آموختیم

۱. شرح حال آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، از نگارنده، ص ۴.

مَجَالِيهِمْ وَلَوْ جُئُوا عَلَى الرُّكْبِ فَإِنَّ اللَّهَ
يُخَيِّبُ الْقُلُوبَ الْمُنِيَّةَ بِثُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُخَيِّبُ
الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ بِوَابِلِ السَّمْطِ؛^۱ ای
بنی اسرائیل! در کلاسهای درس
دانشمندان ازدحام کنید! حتی اگر از
تنگی مکان درس ناچار باشید که بر
روی زانوان بنشینید؛ چرا که خداوند
متعال با نور دانش و حکمت، دلهای
مرده را زنده می‌کند؛ همان طوری که
زمین مرده [و خشک] را با قطرات
باران احیا می‌کند.

حضور در جلسات دانشمندان و
معلمان حکمت چنان در زندگی انسان
اثر دارد که ممکن است در اثر
بی‌اعتنایی به آن جلسات، انسان دچار
خواری شود و مورد خشم خداوند
قرار گیرد. امام سجاد علیه السلام در دعای
سحر به این نکته ظریف اشاره می‌کند
و در راز و نیاز با خداوند این‌گونه نجوا
می‌کند: «سَيِّدِي... لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ
مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدِّثْتَنِي»^۲ آقای من!...

از پددرگر قنالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم چون کنم توصیف تو
چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کوشتی نجات روح ما
ای به طوفان جهالت نوح ما
یک پددر بخشنده آب و گل است
یک پددر روشنگر جان و دل است
لیک اگر بررسی کسد امین برترین
آنکه دین آموزد و علم و یقین
برکات حضور در نزد معلم

یکی از مهم‌ترین مصادیق تعظیم
معلمان و اساتید، حضور در کلاس
درس آنان است که انسان علاوه بر
اینکه مطالب بسیاری از آنان می‌آموزد،
از آداب و رسوم و اطلاعات غیر درسی
نیز بهره‌مند می‌شود؛ افزون بر آن، به
مقام دوستان خداوند و ثواب آنچه نزد
خداست نیز دست می‌یابد. در حقیقت
آموزه‌های معلم، همانند قطرات باران
دلهای تشنه را سیراب و استعدادها را
شکوفا می‌کند. به این جهت، حضرت
عیسی علیه السلام به پیروان خود سفارش کرد
که:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ زَا حِمُوا الْعُلَمَاءَ فِي

۱. بحار الانوار، ج ۱، علامه محمدباقر مجلسی،
نشر الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۵.

۲. مصباح کفعمی، ابراهیم بن علی کفعمی، نشر
رضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۹۳.

شاید مراد در مجالس دانشمندان ندیدنی و به این خاطر دچار خذلان و خواری نموده‌ای!»

ویژگیهای معلمان شایسته

در مطالب گذشته روایاتی در مقام و منزلت معلمان شایسته بیان شد. در خاتمه، به برخی از شرایط آنان نیز اشاره می‌شود:

۱. اخلاص

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُعَلِّمُ لَا يُعَلِّمُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أَهْدِيَ إِلَيْهِ»^۱ معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد، [بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می‌دهد] و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد.»

۲. عدالت میان شاگردان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَّانِ لَا يُؤَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ»^۲ و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی‌کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی‌گیرد.»

۳. تواضع

علی علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ

لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ يَوْلِيهِ»^۳ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد.»

۴. عمل به گفته‌های خود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت دانشمندان [و معلمان] بد را می‌آورند و به آتش جهنم می‌اندازند. یکی از آنان [از شدت عذاب] در داخل آتش به دور خود می‌چرخد... کسانی که از او علم آموخته و نجات یافته‌اند، به او می‌گویند: وای بر تو! ما راه راست را از تو آموختیم و هدایت شدیم. چرا تو اینگونه‌ای؟ او پاسخ می‌دهد: من نسبت به آنچه به شما می‌آموختم و شما را از آن نهی می‌کردم، مخالفت کردم.»^۴

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، نشر آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۱۵۶.
 ۲. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، نشر دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۱۸.
 ۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶.
 ۴. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ق، ح ۲۹۰۹۷.